

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

فرستنده: آدرخش آدرخش

۱۲ مارچ ۲۰۱۶

## بیانیه در باره تصمیم ضد کارگری شورای عالی کار مزد حداقل ۱۳۹۵ حکم مرگ تدریجی کارگران است!

در تاریخ ۱۹ اسفند [حوت] ۱۳۹۴، شورای عالی کار مرکب از نمایندگان دولت، کارفرمایان و گماشتگان دولت (نمایندگان شوراهای اسلامی کار، خانه کارگر و غیره) که نام نماینده کارگران بر خود نهاده اند، مزد حداقل کارگران برای سال ۱۳۹۵ را معادل ۸۱۱ هزار و ۶۸۰ تومان در ماه یعنی کمتر از یک سوم خط فقر و کمتر از یک چهارم متوسط هزینه یک خانواده چهار نفره شهری تعیین کردند. پشتوانه «قانونی» این تصمیم ضد کارگری گماشتگان سرمایه، ماده ۴۱ قانون کار جمهوری اسلامی است.

بند اول این ماده می گوید: «۱- حداقل مزد کارگران با توجه به درصد تورمی که از طرف بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران اعلام می شود [تعیین می گردد].» طبق این ماده، شورای عالی کار مزد حداقل اسمی سال ۱۳۹۴ را که ۷۱۲ هزار و ۴۲۵ تومان در ماه بود به تناسب تورم سال ۱۳۹۴ که حدود ۱۴٪ تخمین زده شده افزایش داده تا به رقم ۸۱۱ هزار و ۶۸۰ تومان در ماه برسد. حال اگر این مبلغ کفاف هزینه یک هفته یک خانوار چهار نفره شهری را نمی دهد چه باک؟! گماشتگان سرمایه قانون سرمایه را اجراء کرده اند و وجدانشان آسوده است!

بند دوم ماده ۴۱ قانون کار می گوید: «۲- حداقل مزد بدون آن که مشخصات جسمی و روحی کارگران و ویژگی های کار محول شده را مورد توجه قرار دهد باید به اندازه ای باشد تا زندگی يك خانواده، که تعداد متوسط آن توسط مراجع رسمی اعلام می شود را تأمین نماید.» باید پرسید «تأمین زندگی یک خانواده» بر اساس چه معیاری تعریف می شود؟ در آغاز مذاکرات مربوط به مزد حداقل در شورای عالی کار، نماینده کارفرما گفته بود که «زندگی یک خانواده چهار نفری با ۶۳۰ هزار تومان در ماه تأمین می شود!» می دانیم که این مبلغ به اعتراف یکی از همان به اصطلاح نمایندگان کارگران حتی برای خوراک ماهانه یک خانواده چهار نفره کافی نیست تا چه رسد به هزینه پوشاک و مسکن و دارو و بهداشت و حمل و نقل و آموزش و غیره. بدین سان چه بند ۱ و چه بند ۲ ماده ۴۱ قانون کار، چیزی جز حکم فرو راندن هر چه بیشتر ده ها میلیون کارگر و خانواده هایشان به اعماق فقر سیاه و مرگ تدریجی نیستند.

باید از کسانی که به ماده ۴۱ قانون کار استناد می کنند، چه آنهایی که در شورای عالی کار به «انجام وظیفه» مشغولند و چه آن فعالان کارگری که هنوز به بند ۱ یا بند ۲ این ماده توهم دارند و به آن چسبیده اند، پرسید شما چگونه می توانید با این دو بند زندگی کارگران را تأمین کنید؟ آیا چنین ادعائی چیزی جز فریب کارگران است؟

جالب این است که برخی از اینان که افزایش مزد به تناسب تورم و یا توسل به معجزه بند ۲ ماده ۴۱ را برای دستیابی به معیشتی که به نام « زندگی انسانی » آرایش داده می شود به خورد کارگران می دهند. اینها توجه ندارند که واضعان و مجریان چنین قوانینی از قماش همان کسانی هستند که توده های مردم را «خس و خاشاک» و «بزرگاله گوساله» یا «گوسفندی که به چوپان نیاز دارد» لقب می دهند، یا کسانی که از تریبون نماز جمعه «ذغال و نمک» را برای مسواک زدن به جای خمیر دندان در سبد هزینه خانوار توصیه می نمایند و نخوردن و نپوشیدن و در فقر و مسکنت زندگی کردن را «آزمایش الهی» توصیف می کنند و معیار سنجش فضیلت انسان ها را «تسلیم و بندگی به مشیت الهی» می دانند. مانند روز روشن است که چنین کسانی نمی توانند به حقوق انسانی کارگران اعتقاد داشته باشند و به آن احترام بگذارند و زندگی انسانی برای کارگران تصور کنند.

حال اگر ماده ۴۱ قانون کار نمی تواند مبنای درستی برای تعیین مزد باشد پس چه چیزی را باید مبنا قرار داد؟  
مبنائی که ما پیشنهاد می کنیم و در گذشته هم توضیح داده ایم چنین است: از آنجا که کارگران مزدی ایران اکثریت مطلق جمعیت کشور و در همان حال مولد بخش اعظم ثروت جامعه اند (بالای ۸۰٪)، پس طبیعی است که درآمد آنها دست کم متوسط هزینه زندگی یک خانوار چهار نفره را تأمین کند. اما متوسط هزینه زندگی یک خانوار شهری را هر ساله بانک مرکزی اعلام می کند. مثلاً طبق «نتایج بررسی بودجه خانوار در سال ۱۳۹۳» که در شهریور ۱۳۹۴ از سوی بانک مرکزی منتشر شده متوسط هزینه ناخالص ماهانه یک خانوار شهری در سال ۱۳۹۳ معادل دو میلیون و هفتصد و سی و نه هزار و هفت صد تومان در ماه بوده است.

بر پایه این رقم رسمی می توان متوسط هزینه ماهانه یک خانوار شهری در سال ۱۳۹۵ را با در نظر گرفتن نرخ تورم سال ۱۳۹۴ و پیش بینی تورم سال ۱۳۹۵ حساب کرد. اگر تورم سال ۱۳۹۴ را مانند شورای عالی کار سرمایه داران و دولت شان ۱۴٪ فرض کنیم خواهیم دید که میزان افزایش هزینه متوسط خانوار شهری در سال ۱۳۹۴ نسبت به سال ۱۳۹۳ برابر با  $383558 = 2739700 \times 14\%$  تومان بوده است یعنی هزینه متوسط ماهیانه یک خانوار شهری در سال ۱۳۹۴ برابر با  $3123258 = 383558 + 2739700$  تومان (سه میلیون و صد و بیست و سه هزار و دویست و پنجاه و هشت تومان) در ماه بوده است.

مرکز پژوهش های مجلس اسلامی نرخ تورم سال ۱۳۹۵ را رقمی در حدود ۱۲٪ تخمین زده است. با این فرض، متوسط هزینه یک خانوار چهار نفره شهری در سال ۱۳۹۵ برابر با سه میلیون و پانصد هزار تومان (۳۵۰۰۰۰۰ تومان) در ماه خواهد شد.

بدین سان مزد ماهیانه کارگران باید این هزینه را بپوشاند یعنی دست کم سه و نیم میلیون تومان در ماه باشد.

### **ضرورت توافق فعالان کارگری بر سر مزد ۳/۵ میلیون تومان در ماه و مبنای تعیین آن:**

شماری از سازمان های فعال در زمینه مسایل کارگری، به درستی مزد درخواستی برای سال ۱۳۹۵ را ۳/۵ میلیون تومان اعلام کرده اند. اکنون که رقم سه میلیون و پانصد هزار تومان در ماه مورد توافق شمار قابل توجهی از سازمان ها و فعالان کارگری است، تکیه بر این خواست و توافق بر مبنای رسیدن به آن می تواند زمینه را برای برداشتن گام های بعدی فراهم کند.

این گام های بعدی، همان گونه که در بیانیه قبل گفتیم، مبارزه مشترک، متحدانه و روشن بینانه کارگران از جمله در تعیین مبنا برای مزد، تعیین سطح مزد در خواستی و چگونگی پیشبرد مبارزه در این زمینه است. باید توجه داشت که علت سطح بسیار پائین مزد کارگران در ایران تنها ز الوصفتی سرمایه داران و حمایت بی قید و شرط دولت (که خود بزرگترین کارفرماست) از آنها نیست؛ تنها ممنوع بودن سازمان های کارگری، ممنوع بودن تظاهرات و اعتصابات و

اعتراضات و سرکوب شدید فعالان کارگری نیست. علاوه بر اینها، پراکندگی فعالان، ضعف در همکاری و هم اندیشی و تبادل نظر و تجربه و طرح ریزی عمل مشترک نیز نقش مهمی در وضعیت اسفناک کارگران و بیکه تازی سرمایه داران و دولتشان دارد. این گام های بعدی از جمله می تواند شامل کار در میان توده های کارگر و فعالان کارگری برای مقاومت و اعتراض جمعی به تصمیم ضد کارگری شورای عالی کار در مورد مزد حداقل سال ۱۳۹۵ باشد. روشن است که مبارزه برای افزایش مزد - حتی اگر به موفقیت برسد- به خودی خود تغییری اساسی در وضعیت اجتماعی کارگران به وجود نمی آورد. تا نظام کار مزدی و سرمایه داری ادامه داشته باشد هیچ میزانی از افزایش مزد باعث تغییر موقعیت کارگران از طبقه ای استثمار شونده و زیر ستم به انسان هائی آزاد از ستم و استثمار نمی شود. اما افزایش مزد می تواند تا اندازه ای وضعیت اقتصادی کارگران را بهبود بخشد و اگر مبارزه برای افزایش مزد با آگاهی طبقه کارگر از وضعیت خود و جامعه و تحول آن و چشم اندازی روشن برای دگرگونی جامعه در جهت محور استثمار همراه باشد، می تواند زمینه را نه تنها برای بهبود نسبی وضع کارگران، بلکه برای گسترش مبارزه آنان نیز فراهم سازد و در نهایت تلاش تاریخی کارگران برای تغییر بنیادی سرمایه داری و نظام کار مزدی را تقویت کند. به این علت است که کارگران، حتی آنهایی که می دانند افزایش مزد تغییری در وضعیت طبقه کارگر به عنوان طبقه ای زیر استثمار و ستم نمی دهد، در کارزارهای افزایش مزد شرکت می کنند و این مبارزه را ضروری می دانند.

**بنابراین:**

- ما به کارگران ایران می گوئیم: طبقه کارگر اکنون بیش از ۶۰ درصد جمعیت کشور را تشکیل می دهد و بیش از ۸۰ درصد محصولات و خدمات کشور را تولید می کند. کارگران باید پیش از هر چیز به این قدرت اجتماعی و اهمیت خود در اقتصاد جامعه پی ببرند و به اتحاد طبقاتی خود واقعیت ببخشند تا بتوانند اراده سیاسی خود را در جامعه اعمال کنند. اتحاد طبقاتی ما نیروی عظیمی خواهد بود که هیچ دولت و قدرت و حکومتی قادر به درهم شکستن آن نیست.

- ما به کارگران ایران می گوئیم: تضمین برآورده شدن خواست های اقتصادی فوری و مبرم ما و نیز تلاش برای تغییر بنیادی جامعه در جهت محور استثمار و ستم طبقاتی ایجاب می کند که وارد مبارزه سیاسی در جامعه شویم.

- ما به طبقه کارگر ایران می گوئیم: جنبش کارگری نمی تواند بدون تشکل های مستقل طبقاتی خود امر مبارزه طبقاتی را به پیش برد. ما بر این امر تأکید می کنیم و بر آن پای می فشاریم.

- ما برای پیشبرد اهداف طبقه کارگر، بر ضرورت ایجاد سندیکاهاى مستقل کارگری و حزب سیاسی مستقل طبقه کارگر تأکید می ورزیم.

- ما برای به ثمر رسیدن اهداف طبقه کارگر، بر استقلال سیاسی، تشکیلاتی و نظری این طبقه پای می فشاریم.

**کارگران پروژه های پارس جنوبی**

**جمعی از کارگران پتروشیمی های منطقه ماهشهر و بندر امام**

**فعالان کارگری جنوب**

**جمعی از کارگران محور تهران - کرج**

**فعالان کارگری شوش و اندیمشک**

**۱۹ اسفند [حوت] ۱۳۹۵**

**kargaran.parsjonobi@gmail.com**